

رساله در ذراع مکه

(تألیف حوالی سال ۹۸۰ هجری)

مؤلف؟ / تصحیح رسول جعفریان

مقدمه

رساله حاضر تحت عنوان «ذراع مکه» اثری است در باره مسجد الحرام، عمارت و اجزا و درها و ستون‌های آن، که ضمن ارائه گزارشی اجمالی از تاریخ هر کدام، اندازه‌های آن‌ها بر اساس مقایسه رایج در آن روزگار به دست داده شده است. اصطلاح ذراع مکه یا مدینه، جدا از این که نمودار اندازه‌ای معین است، از نظر جغرافیایی درباره رساله‌هایی است که در جغرافیای اندازه‌ای عمارت مسجد الحرام یا مسجد النبی نگاشته شده و البته گاه فراتر از این عنوان تاریخ آن عمارت نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. مدتی قبل، تصویری از این رساله توسط دوست عزیز جناب آقای دکتر گودرز رشتیانی به دستم رسید. اصل نسخه در کتابخانه دانشگاه سن پترزبورگ است که ایشان مشغول فهرست کردن آن بودند و با توجه به علاقه بنده نسبت به رساله‌های مربوط به حرمین شریفین، عکسی از آن را که طبعاً با زحمت تهیه کرده بودند، در اختیار بنده قرار دادند. بدین وسیله از ایشان کمال سپاسگزاری را دارم. از صفحه آخر که از این عکس در اختیار است، دانسته می‌شود که رساله ذراع، در یک مجموعه بوده، اما اینکه چه رساله‌هایی در آن بوده، جز عنوان رساله بعدی که به عنوان «هذا کتاب رحلة الشتاء و الصيف» نامیده شده، آگاهی ندارم.

رساله ای در ذراع مکه

میتاق

۹۲

رساله حاضر مشتمل بر ۲۳ صفحه است که ما برای هر دو صفحه روبه‌رو، یک شماره در کروشه گذاشته‌ایم. صفحه آخر تنها نیم صفحه مطلب دارد.

در متن این رساله از نام مؤلف یادی نشده و بنابراین، دست کم بر اساس این نسخه، خبری درباره مؤلف پارسی زبان اما سنی مذهب آن نداریم.

از نظر زمان تألیف، وی از سه سلطان عثمانی یاد کرده است: ۱. سلطان سلیمان، ۲. فرزند او سلیم ۳. سلطان مراد. در باره دو نفر اول، تعبیر «خَلد الله مُلکَه» دارد و اما درباره سلیمان به جز آن و درست چند سطر بعد، او را «سلطان مرحوم» می‌خواند. مقصود وی باید سه سلطان عثمانی پشت سر هم سلیمان اول [۱۵۲۰ - ۱۵۶۶]، سلیم دوم [۱۵۶۶ - ۱۵۷۴] و مراد سوم [۱۵۷۴ - ۱۵۹۵] باشد.

بنابراین، رساله می‌تواند در اواخر سلطنت سلیمان اول، سال‌های سلیم دوم و اوایل سلطنت مراد نوشته و یا تغییراتی در آن رخ داده باشد. درگذشت سلیمان اول ۹۷۳ و شروع سلطنت مراد سوم ۹۸۱ است. بدین ترتیب رساله در نیمه دوم قرن دهم هجری نوشته شده است. وی در باره برخی از ستون‌های مسجد الحرام و زمان نصب آن‌ها می‌گوید: «اما این عمارت در تاریخ نُهصد و هشتاد [۹۸۰] بود که به اتمام رسید، در زمان سلطنت سلطان مراد ابن سلطان سلیم.»

نسخه اساس این تصحیح، همان نسخه سن پترزبورگ است، اما بر اساس یادداشتی که در باره نسخه‌ای با همین نام در تاشکند وجود دارد، روشن می‌شود که آن نسخه هم باید همین متن باشد؛ چنان که نسخه‌ای هم در آصفیه وجود دارد. در معرفی این دو نسخه در «فهرستواره» چنین آمده است:

مقدار ذراع مکه معظمه و بعضی از کیفیت مسجد الحرام.

آغاز: حمد له. عاقبة، و الصلاة و السلام علی رسوله و حبیبه أفضل الخلق سیدنا محمد و آله و أصحابه أجمعین. بعد، بدان ایدک الله... (ازبکستان، تاشکند ۳۱۲/۵). آصفیه ۱/ ۴۱۴ «رساله مساحت طول و عرض و ارتفاع خانه کعبه» (۲ نسخه) نسخه ش ۸۲ با آغاز: بدان ایدک الله تعالی بنیل هذه السعادات و الکرامات.. [فهرستواره کتابهای فارسی: ۲۵۵/۱].

این رساله بر اساس کتاب‌ها و رساله‌هایی که در متن از آن‌ها یاد شده، نوشته شده و در عین حال با توجه به تعبیری چون «در این ایام» و مانند این‌ها، روشن می‌شود که وی از دیده‌ها و شنیده‌های خود نیز در این متن استفاده کرده است. برخی از کتاب‌هایی که از آن‌ها نام برده

(یک تا چند بار) عبارت است از:

- مناسک امام نووی.
 - بحر العمیق فی فضائل بیت العتیق
 - تاریخ مکه از رقی
 - النهایه
 - زبدة الاعمال از سعد الدین اسفراینی.
- در باره این منابع باید گفت، اینکه تصور کنیم وی این منابع را خودش ملاحظه کرده، دشوار است؛ زیرا این قبیل مطالب می‌تواند یک جا از منبعی که از منابع مذکور گرفته شده، اقتباس شده باشد. مقایسه بخش مربوط به درهای مسجد این رساله با آنچه در کتاب «تاریخ مکه المشرفة و المسجد الحرام» از محمد بن محمد ضیاء (م ۸۵۴) آمده (برای مثال: ص ۱۵۸) و نیز نام مآخذی که در آنجا هست، نشان می‌دهد که آن اثر می‌تواند یکی از منابع مهم این بخش یا این رساله باشد. با این حال، آنچه وی از مشاهدات خود می‌گوید و شمار آن‌ها هم کم نیست، باعث می‌شود که رساله حاضر ارزش خاص خود را داشته باشد.
- بخش اخیر رساله نشان می‌دهد که وی مطالبی از خودش بر آن افزوده و به ویژه این‌ها نکاتی است که مربوط به روزگار همان سه سلطانی است که به نوعی با آنان معاصر بوده است. سال‌ها پیش رساله‌ای با عنوان «تاریخ کعبه و مسجد الحرام» به عنوان محمد معصوم بن محمد صالح دماوندی تصحیح و چاپ کردم که شباهت زیادی به این رساله دارد، گرچه اندکی از موارد با آن متفاوت است؛ به خصوص در مقدمه آن اطلاعاتی در باره کسی که این رساله به نام او تألیف شده، آمده است. تفاوت‌های دیگری نیز در برخی از القاب و نیز برخی از سال‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد باید در باره ارتباط آن‌ها که بسیار نزدیک هستند، مقایسه‌ای و پژوهشی صورت گیرد. ممکن است کار دماوندی، تحریری شیعی از این رساله باشد، یا آن که هر دو از متن واحدی مانند کتاب تاریخ مکه المشرفة بهره برده باشند.
- به هر حال، این بررسی، برای وقت دیگر خواهد ماند و عجالاً ما بر اساس نسخه سن پترزبورگ این رساله را تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنیم.
- صفحه نخست رساله ذراع مکه از نسخه مورد استفاده را در اینجا تقدیم می‌کنیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام
 على رسوله وحبيبته فضل الخلق سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين
بعد بدان آید که الله وایانا بنیل السعادات والكرامات کثیرین
 کلمه چند مسطور شده در بیان مقدار ذراع مکه معظمه حرّمه الله
 تعری عن الآفات وبعضی از کیفیات مسجدی احوام که عبارتست
 از حرم کعبه شرف معظمه زادها الله شرفها وتعظیمها قبل از شروع
 بدانکه در عرف اهل شرع مقدار بیست و چهار انگشت است
 که برهم نهند بدانکه فرجه در میان انگشتان باشد غیر انگشت از
 بعد وفا الله الا الله محمد رسول الله و هر انگشت را نشستن چو اعتباراً
 نموده اند که در بملوی هم نهاده باشند چنانکه پشت هر یک یک کلم
 دیگر متصل بود و هر جمعی را نشستن موی استراحت کرده اند **بیس**
 بدانکه بیست این شریف کعبه نظام هست بلندگی او درین ایام بیست
 و هفت کوز و ربع کر است اما طول وی در روی زمین از رکن حجر
 الاسود تا رکن عراقی که دیوار شرقی خانه کعبه است و پنج کر است
 در آن

ذراع مکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، و الصلاة والسلام على رسوله و حبيبته سيدنا
 محمد و آله و صحبه أجمعين.

بعد: بدان آید که الله وایانا بنیل السعادات و الکرامات که این کلمه چند مسطور شده در
 بیان مقدار ذراع مکه معظمه - حرّسه الله تعالی عن الآفات - و بعضی از کیفیات مسجد الحرام که

عبارت است از حرم کعبه مشرفه و معظمه - زادها الله تشریفاً و تعظیماً.

[مقدمه در تعریف ذراع در عرف اهل شرع]

قبل از شروع بدان که در عرف اهل شرع، گز مقدار بیست و چهار انگشت است که برهم نهند، بی آنکه فرجه در میان انگشتان باشد غیر انگشت نر [=کلان] به عدد حروف «لا اله الا الله، محمد رسول الله». و هر انگشت را شش جو اعتبار نموده‌اند که در پهلوی هم نهاده باشند؛ چنان که پشت هر یک به شکم دیگر متصل بود و هر جوی را شش موی استر اعتبار کرده‌اند.

[ابعاد کعبه]

پس بدان که بیت الله شریف کعبه ظاهر است بلندی او در این ایام بیست و هفت گز و ربع گز است. اما طول وی در روی زمین، از رکن حجر الاسود تا رکن عراقی که دیوار شرقی خانه کعبه است [بیست] و پنج گز است. و رکن در لغت، گنج را گویند، اما زیادتی در جانب حجر است، قدر یک و جب یا بیشتر باشد. اهل تواریخ آن را اعتبار نکرده‌اند. اما عرض بیت الله از رکن یمانی تا رکن حجر الاسود که دیوار جنوبی است، بیست گز است.

و همچنین از رکن شامی تا رکن عراقی که دیوار شمالی است، بیست گز است. اما عرض دیوار خانه دو گز است. و طول باب کعبه الله، شش گز است و ثلث گز و نصف سدس گز است. و عرض باب کعبه چهار گز است.

باب کعبه در دیوار شرق است و تخت‌های دراز چوب ساج است، تنک‌های نقره به روی آن گرفته‌اند و میخ‌های نقره استوار کرده‌اند و ساج نام آن درخت است که در بلاد هند آن چوب را به کشتی‌ها به اطراف بنادر بحر می‌برند و خشب البحر هم می‌نامند. اما بلندی آستانه در کعبه از روی زمین، چهار گز و ثمن گز است. اما ناودان کعبه که آن را میزاب الرحمة می‌نامند، در میان رکن عراقی و رکن شامی و حجر اسماعیل عليه السلام در زیر آن است و معنای حجر به تفصیل مذکور می‌گردد، عن قریب إن شاء الله تعالی

[ملتزم]

[۲] اما عرض ملتزم چهار گز است و ملتزم ما بین باب کعبه و رکن حجر الاسود را گویند. و ملتزم بهر آن گویند که مردم آن را التزام کرده‌اند از برای دعا، و بعد از فراغ از طواف، آنجا دست بر دیوار کعبه نهاده، دعا و زاری می‌کنند، و آمرزش می‌خواهند؛ زیرا که یکی از آن اماکن که حدیث نبوی - صلی الله علیه [و آله] و سلم - در شأن آن اماکن واقع شده که محل اجابت دعاست، آنجا [ست].

اما بلندی حجرالاسود از روی زمین، دو گز و نصف گز و سدس گز است، اندک زیاده، و طول آن مقدار که از او ظاهر است، یک انگشت مضمومه است؛ یعنی انگشتان به هم نهاده، و عرض او یک و جب است قدری کمتر.

[مستجار]

اما عرض مستجار چهار گز است و پنج انگشت است و مستجار ما بین رکن یمانی و باب دوم کعبه است، و در این ایام، این باب ثانی مسدود است. و اهل تواریخ چنین نقل کرده‌اند که قریش چون تجدید عمارت کعبه کردند، این در مذکور را به سنگ برآوردند و همچنان بود تا زمان عبدالله بن زبیر (رض) و او در زمان امارت خود این در را بر قاعده قریش به سنگ برآورد؛ و این باب از آن تاریخ تا امروز همچنان مسدود است.

و این مستجار مذکور محاذی ملتزم است و مستجار برای آن می‌گویند که آنجا مردم دست بر دیوار کعبه نهاده، دعای طلب مغفرت می‌کنند و از گناهان نجات می‌طلبند و لهذا مستجار من الذنب گفته‌اند.

اما عرض باب مسدود که مذکور گشت، سه و نیم گز است، و طول او پنج گز است، اندکی زیاده.

[حجر اسماعیل]

اما حجر به کسر حاء مهمله و سکون جیم که آن را نیز حطیم نامند، محوطه مدوره، مانند نصف دایره [است]، و این حجر در جانب شمالی کعبه است که ناودان در درون او واقع شده است، و حد او از رکن عراقی است تا رکن شامی، و زمین حجر را به سنگ‌های رخام سیاه و سفید و سرخ و زرد و سبز فرش کرده‌اند؛ و از آنجا که زیر ناودان است تا دیوار دایره حجر، هفده گز است، و مقدار هفت گز و ثلث گز است، و مقدار هفت گز یا شش گز است. و یک

و جب [از محوطه حجر] از زمین خانه کعبه است، و باقی جای گوسفندان حضرت اسماعیل بوده - علی نبینا [و] علیه السلام - بعد آن را داخل حجر کرده‌اند؛ و طواف [۳] بر دور حجر می‌کنند؛ زیرا که اگر از اندرون حجر طواف کنند باطل است، گویا که طواف نکرده است؛ از بهر آنکه در حدیث آمده است که: الْحَجْرُ مِنَ الْبَيْتِ، و به اتفاق ائمه اربعه می‌باید که طواف بر دور کعبه کرده و شد؛ چنان که هیچ عضوی از اعضای طائف داخل کعبه نگردد. بنابراین، اگر کسی در زمان طواف از اندرون حجر بگذرد، طوافش درست نبود. و این حجر دو در دارد: یکی نزدیکی رکن عراقی و دیگری نزدیک رکن شامی و مسافت ما بین دو در حجر، بیست گز است. و دو دایره حجر از جانب درون سی و هشت گز است، و از جانب بیرون چهل گز و ربع گز است. پس یک طواف به گرد خانه کعبه و حجر صد و سی و سه گز و نصف گز است.

[معجنه یا حفرة کنار کعبه]

اما حفرة‌ای که پیوسته به دیوار شرقی کعبه است، نزدیک به زیر آستانه باب کعبه که در این ایام به مقام جبرئیل - علیه السلام - مشهور است؛ و بعضی گویند که حفرة جایی است که حضرت ابراهیم - علیه السلام - آن محل ایست می‌کرده‌اند از بهر تعمیر کعبه؛ و لهذا اهل مکه این حفرة را معجنه می‌نامند. و حفرة در لغت، مگاکی را گویند و طول این حفرة، هشت و جب و هفت انگشت است، و عمق او یک و جب و چهار انگشت است، و عرض او پنج و جب و سه انگشت است. و منقول است از شیخ محب الدین الطبری که از محدثین است و از شیخ عزالدین بن عبدالسلام نیز که، حفرة جایی است که جبرئیل - علیه السلام - با حضرت پیغمبر - صلی الله علیه [واله] و سلم - پنج وقت نماز را در درون مگاکی متعاقب در دو روز گزارده‌اند و اوقات پنج وقت نماز را متعین ساخته‌اند در زمانی که خداوند تعالی، نماز را بر این امت مرحومه فرض گردانید؛ و الله تعالی اعلم.

[انحراف در دیوارهای کعبه]

بعد از آن، بدان که حرم محترم و بیت الله المعظم، اندک انحرافی دارد از جهات اربعه، چنان که رکن حجر الاسود محاذی بین المشرقین واقع شده و ستاره قطب شمالی، در برابر رکن عراقی مرئی می‌گردد و باقی ارکان به همین قیاس و این در کتب هیئت و بعضی از مناسک نیز مذکور است.

[مقام ابراهیم]

اما بیان مقام ابراهیم - علیه السلام - چنین منقول است که از شیخ عزالدین [۴] [بن] جماعه [که] گفت که، در تاریخ هفت صد و پنجاه و سه [۷۵۳] از هجرت نبوی، مجاور مکه بودم و مقام مذکور را پیمودم. بس بلندی مقام از روی زمین، یک گز است و سه قیراط کم. و روی سنگ مربع است از هر طرف سه ربع گز. و موضع قدمین مبارک حضرت ابراهیم - علیه السلام - را تنکه نقره گرفته‌اند و بسته موضع قدمین از روی نقره، هفت قیراط و نصف قیراط و نصف قیراط [کذا] است؛ یعنی گز نیم قیراط کم. و یک گز، بیست و چهار قیراط است؛ چنان که بیست و چهار انگشت یک گز است.

و در این ایام، در بالای مقام صندوق از آهن ساخته‌اند، بلندی آن تخمیناً چهار گز است، و چهار جانب صندوق در زمین استوار است، و به روی صندوق پرده‌ای از اطلس سیاه زربافت پوشانیده‌اند، و بر بالای صندوق مذکور، گنبدی به غایت مختصر بر سر چهار ستون سنگ از چوب ترتیب کرده‌اند، و درون آن گنبد را طلا و لاجورد و غیرها ملون کرده‌اند، و در غایت زیب و زینت پرداخته‌اند، و روی آن گنبد را تخت‌های سرب بر هم نهاده‌اند و میخ دوز کرده‌اند، و چهار جانب گنبد، چهار شباک هفت جوش وصل کرده‌اند بر چهار ستون که مذکور گشت، و در عقب گنبد ایوانی بر سر دو ستون سنگ ترکیب کرده‌اند و یک جانب ایوان متصل به گنبد است، و این ایوان را خلف المقام می‌گویند.

و سنت این است که چون از طواف فارغ شوند، دو رکعت نماز طواف را در خلف المقام گزارند، مگر آنکه ازدحام خلق باشند، آنگاه در حجر گزارند و اگر آنجا نیز انبوهی خلق باشد، در هر موضع که باز مسجد الحرام بگزارد، روا باشد؛ اما به طریق جواز در جمیع حرم روا باشد. و طول موضع مصلی؛ یعنی ایوان، پنج گز است و سدس است، و طوف و عرض شباک پنج گز است، و شباک در لغت پنجره را گویند.

بدان که مقام عبارت از آن سنگ است که حضرت ابراهیم - علی نبینا و علیه الصلاة و السلام - به روایتی بر بالای آن ایستاده‌اند، بنا بر امتثال امر الهی، بعد از اتمام کعبه مشرفه، و خلق را ندا کرد و به حج خواند؛ چنان که حق سبحانه و تعالی در کلام خبر می‌دهد «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكُّلِ رِجَالًا...» [حج: ۲۷]

[۵] و اثر قدمین مبارک حضرت در سنگ مذکور ظاهر است؛ همچنان که اثر پای برهنه بر گل نیم خشت می‌ماند.

و روایتی آنکه، چون خلیل جلیل - صلوات الله و سلامه علیه - مأمور شد به عمارت کردن

خانهٔ کعبه، و بعد از آن، دیوارهای خانه بلند شد و دست بر سر دیوار نمی‌رسید، گِل و سنگ و مایحتاج عمارت بر دوش می‌نهاد و بر بالای مقام مذکور می‌استاد و آن سنگ به فرمان [خدای] - جَلَّتْ عَظْمَتُهُ - میل به جانب بالا می‌کرد و نزدیک به کنار دیوار همچنان در هوا می‌ایستاد تا ابراهیم - علیه السلام - مصالح عمارت را به کار می‌برد. باز آن سنگ به جانب زمین میل کرد تا به روی زمین قرار می‌یافت. و الله اعلم بحقائق الأمور، و هو علیم بذات الصدور.

[شادروان]

اما صندوق درون شباک [که] مقام مذکور درون آن است تا شادروان کعبه، بیست گز و ثلثان و ثمن گز است و شادروان بسته به آن دیوار را گویند، و از پای حجر الاسود تا مقام بیست و هفت گز است.

[عمق چاه زمزم]

اما عمق چاه زمزم شصت و هفت گز است و عرض چاه، چهار گز و از دیوار کعبه تا چاه زمزم سی و سه گز است و ما بین مقام و چاه زمزم، بیست و یک گز است.

[زمین مطاف]

اما عرض زمین مطاف که بر دور کعبه سنگ فرش کرده‌اند، از طرف شرقی کعبه، از پهلوی شباک مقام تا شادروان کعبه که مقابل اوست، چهل و چهار قدم است و از جانب شمالی از کنار مطاف تا دیوار حطیم که محاذی اوست، چهل و هشت قدم است، از طرف غربی از کنار مطاف تا شادروان کعبه، شصت و پنج قدم است و این دورترین جوانب است و از جانب جنوبی از کنار مطاف تا شادروان کعبه، از آن جانب که زیر حجر الاسود [است] چهل و هفت قدم است.

[مقامات اربعه]

اما بیان مقامات ائمهٔ اربعه - رضی الله عنهم - و جای نماز ایشان:
بدان که مقام شافعی در این ایام، در طرف شرقی خانهٔ کعبه است، مقابل روی کعبه در عقب مقام ابراهیم - علیه السلام - ..
بدان که مقام امام حنفی در طرف شمالی کعبه است، مقابل روی ناودان کعبه است و این

قبلة اهل مدینه و شام و روم است.

بدان که مقام امام مالک، در جانب غربی کعبه است در برابر ظهر کعبه.

بدان که مقام

[۶] امام حنبل، در جانب جنوبی کعبه است در محاذی حجر الاسود است به طریق کوه

ابوقیس. و هر چهار مقام بیرون مطاف است.

[قبّة الفراشین]

اما در عقب خانه‌ای که چاه زمزم در وی است که قبّة الفراشین می‌گویند؛ زیرا که فرّاشان

شمع‌ها و شمع‌دان‌ها و بساط‌ها و مصاحف و ما یحتاج مسجد را آنجا می‌نهند.

[گنبد سقایة الحاج]

و در عقب قبة الفراشین گنبدی دیگر است که آن را سقایة الحاج می‌گویند و آن را ابتدا

حضرت عباس (رض) عمارت کرده‌اند جهت حاجیان که آنجا آب زمزم بیاشامند.

[عمارت مسجد الحرام]

اما بیان عمارت مسجد الحرام:

بدان که زمینی بود مسطح در عهد پیغامبر - علیه السلام - و در زمان خلافت ابوبکر (رض)

نیز از هیچ طرف دیوار نداشت که او را احاطه کند و در دور حرم خانه‌ها بود، اطراف مسجد را

مثل دیوار گرفته بود. و در میان خانه‌ها راه‌ها بود که مردم از هر طرف به حرم، درون می‌آمدند.

پس چون خلافت [عمر] (رض) و اسلام قوی گشت و مسلمان بسیار شدند، ایشان خانه‌ها خریده،

ویران ساخته، و در حرم زیاده کردند و حرم را وسیع ساخته‌اند و گرد او دیوار برآوردند کمتر از

قامت آدمی و چراغ‌های مسجد الحرام را بر سر دیوار می‌نهادند. پس اول کسی که بر دور مسجد

الحرام دیوار به پا نمود، امیر المؤمنین عمر بود (رض)، بعد از آنکه خلافت عثمان (رض) [رسید]

ایشان نیز خانه‌ها خریدند.

در سال بیست و ششم از هجرت و در حرم داخل کردند و حرم را بسیار وسیع ساخته‌اند و

بر دور مسجد رواق‌ها بنا نمودند. پس اولین کسی که رواق‌ها ترتیب نمود عثمان بود.

بعد از آن عبدالله بن زبیر (رض) در زمان امارت خود در سال شصت و چهار از هجرت تا شصت

وهفت که از مدت امارت او بود، بسیار خانه‌ها خرید در مسجد الحرام زیاده کرد و از جمله

خانه‌ها بعضی از دار ازرقی بود و آن بعضی را به هفت هزار دینار خرید که هفت هزار مثقال طلا می‌شود و در حرم داخل کرد.

بعد از آن عبدالملک بن مروان که از جمله خلفای بنی امیه است، مسجد الحرام را عمارت کرد، لکن چیزی زیاده نکرد، اما دیوار مسجد را بلند ساخته، و سقف را از چوب ساج پوشانید و منقش گردانید

[۷] و قندیل‌ها از سقف حرم آویخت و عمارت به غایت نیکو کرد. بعد از آن ولید بن عبدالملک مذکور، مسجد را قدری وسیع‌تر کرد و بعضی ستون‌ها از سنگ رخام فرمود. بعد از آن، چون دولت و خلافت بنی امیه به آل عباس انتقال کرد، منصور بن جعفر [کذا] = ابوجعفر منصور [که از خلفای عباس [ی] است، در طرف شمالی مسجد قدری زیاده ساخت و عمارت کرد و بعضی ستون‌ها از رخام فرمود.

[توسعه مسجد الحرام زمان مهدی عباسی]

بدان که مهدی بن منصور مذکور، دو بار در تاریخ صد و شصت از هجرت، دوم بار در صد و شصت و نه مهدی مذکور وفات یافت - رحمة الله علیه - و این مهدی پدر هارون الرشید است و عمارت قرار یافت، تا امروز و گویند قبل از عمل مهدی و در اوایل زمان او نیز کعبه معظمه در یک طرف مسجد بود، خواست که در میان باشد، پس خانه‌ها خرید داخل حرم کرد؛ به نوعی که کعبه معظمه در میانه مسجد واقع شد.

همچنین ذکر کرده امام نوای [کذا = نووی] در مناسک خود و «بحر العمیق فی فضائل بیت العتیق» مذکور است که مهدی حج کرد در تاریخ صد و شصت از هجرت و فرمود که، تمام ستون‌های حرم را از رخام راست کنند. پس به امر او در دیار سعید که یکی از دیار مصر است، ستون‌ها از سنگ رخام تراشیدند و به کشتی‌ها تا به بندر جده رسانیدند و از آنجا تا به گاو [عرابه] و گردون کشیدند و در حرم، در زیر رواق‌ها نصب کردند و آن ستون‌ها امروز همچنان باقی است، مگر جانب غربی حرم که سقف مسجد سوخته و ستون‌هایی که در زیر آن رواق‌ها بوده، از حرارت آتش طرقلیده، از هم پاشیده و به عوض آن از سنگ جبال مکه تراشیده‌اند و به هم وصل کرده و ستون ساخته.

[حدود مسجد الحرام]

و هم در بحر العمیق از طبری منقول است که ابوهریره گفت که، هر آینه یافتیم در کتاب

خدای تعالی، حد مسجد الحرام تا مسعی است. و از عبدالله بن عمرو بن العاص منقول است که گفت: اساس مسجد حرام که ابراهیم - علیه السلام - بنا نهاده، از باب جزوره تا مسعی و مسعی ما بین صفا و مروه را گویند و گفته اند که مهدی مسجد را بنا نهاد.

بدان که مسجد حرام در این ایام، از باب بنی شیبه که مشهور به باب السلام است - و آن در کنج دیوار شرقی است - مسجد است تا باب عمره - که در کنج دیوار غربی است - چهار صد و چهار گز است و این دویست و هشتاد خطوه است [۸] اما عرض مسجد الحرام از باب بنی مخزوم مشهور به باب الصفا است و این در دیوار جنوبی مسجد است تا دیوار اصلی مسجد که در طرف شمالی است، قریب باب الندوه، سیصد و چهار گز است. و این دویست و بیست و شش خطوه می شود و خطوه گام را گویند.

[درهای حرم]

اما عدد درهای حرم؛ بدان که در این ایام، در اطراف مسجد الحرام نوزده در است، اما مداخل سی و هشت است؛ چنان که هر دری مشتمل است بر دو مدخل و سه مدخل و کمتر، بدین ترتیب که مذکور می شود.

اما جانب دیوار شرقی چهار در است:

اول؛ باب بنی شیبه که در این ایام مشهور است به باب السلام و گویند خلفای عباس [ی] از این در به حرم درون می آمده اند، بدین سبب به باب السلام اشتهار یافت. و امام ازرقی در تاریخ مکه گفته که باب السلام^۱ نامیده اند، و نزد اهل مکه در جاهلیت به باب بنی شمس مشهور بوده، و این باب سه مدخل دارد.

دوم؛ باب النبی - صلی الله علیه [و آله] و سلم - که امروز مشهور به باب الجنائز است و باب النساء نیز می گویند. و باب النبی بهر آن گفتند که حضرت رسالت - صلی الله علیه [و آله] و سلم از آنجا بیرون رفته، به خانه خدیجه - رضی الله عنها - می رفتند و این باب دو مدخل دارد.

سیم؛ باب عباس بن عبدالمطلب است (رض) و بیرون این در متصل به دیوار مسجد یکی از میلیون اخضرین است که نشانه مسعی است و این باب سه مدخل دارد.

چهارم؛ باب علی بن ابی طالب است - کرم الله و جبهه - و این باب نیز سه مدخل دارد.

۱. در اصل: باب السلام خلفا!

اما جانب دیوار جنوبی هفت در است:

اول؛ باب بنی عائذه که در این زمان، «باب بازان» مشهور است و این دو مدخل دارد.
دوم؛ باب بنی سفیان بن اسد که در این ایام به «باب بغله» مشهور گشته و صاحب النهایه این در را «باب الخیاطین» گفته‌اند و این باب نیز دو مدخل دارد.
سیم؛ باب بنی مخزوم که در این زمان «باب الصفا» اشتهار یافته و این باب پنج مدخل دارد.
چهارم؛ باب اجیاد صغیر است و وجه تسمیه اجیاد صغیر و کبیر مذکور خواهد شد انشاءالله.
 اما در این ایام «باب الجیاد» می‌نامند، به کسر جیم، و این باب [د]و مدخل دارد.
پنجم؛ باب مجاهدیه که در این ایام «باب الرحمه» گویند و «باب القطنه» نیز می‌خوانند و این باب دو مدخل دارد.

ششم؛ باب مدرسه شریف حسن بن عجلان بن رمیثه است که از [۹] سلاطین مکه بوده و این در را سابق بنی تمیم [می]گفتند؛ و صاحب النهایه «باب العلافین» گفته، اما در این ایام در را نیز «باب الرحمه» می‌گویند و این باب نیز [و] مدخل دارد.
هفتم؛ باب امّ هانی بنت ابی طالب است، نزدیک به خانه‌های بنی عبدشمس بوده در جاهلیت، به نام ایشان خواندی و ایضاً باب ملاعیه گفتندی، و باب العرج نیز خوانده‌اند، به سبب آنکه امام اقهیری در تعریف مسجد الحرام که به خط خود نوشته، چنین ذکر کرده که خانه امّ هانی که از اینجا معراج واقع شده، در پهلوی این در است، به این واسطه «باب العراج» گفته‌اند و لیکن صاحب نهایه، «باب ابی جهل» نامیده است. و این باب نیز دو مدخل دارد.

اما جانب دیوار غربی سه در است:

اول؛ باب حزوره: و این باب قریب اجیاد کبیر است و این در را باب حزوره بهر آن گویند که شخصی بوده نام او وکیع بن سلمه و او والی مکه معظمه و مدتی حکومت کرده، از برای او تختی بزرگ از چوب ساخته بوده‌اند که او گاه گاهی از برای محافظت، آن تخت آنجا تعیین کرده بوده که او حزوره نام داشته و این باب به نام او مشهور گشته؛ اما در این زمان، عوام اهل مکه باب عروره می‌گویند؛ به عین. و این باب دو مدخل دارد.
دوم؛ باب ابراهیم، و ابو عبید بکری گفته است که ابراهیم که این باب را به او نسبت می‌دهند، خیاطی بود که نزدیک این باب دکان داشت، و این باب به نام او منسوب شد و نسب او را شیخ سعدالدین اسفراینی در کتاب «زبدۃ الاعمال» ذکر کرده و چنین گفته که: هُوَ ابراهیم الاصفهانی. و بعضی این باب را منسوب کرده‌اند به حضرت ابراهیم خلیل - علی نبینا و علیه الصلاة والسلام - و

لیکن این وجهی ندارد که باب تخصیص کنند این باب را از سایر ابواب - و الله اعلم بالصواب -؛ زیرا که او متوطن مکه نبوده.

و امام ازرقی در کتاب تاریخ مکه، باب الخیاطین گفته، و این باب را در زمان سابق دو مدخل بوده؛ یکی بزرگ و دیگری کوچک. اما در این ایام یک در است که در این زمان از جمیع ابواب بزرگ تر است.

سیم؛ باب سهم که در این زمان مشهور است به «باب عمره» و این باب یک مدخل دارد.

اما جانب دیوار شمالی،

[۱۰] پنج در است:

اول؛ باب عمرو بن العاص که در این زمان به «باب السده» مشهور است و این باب یک مدخل دارد.

دوم؛ باب العجله است و این باب نیز یک مدخل دارد.

سیوم؛ باب دارالندوه و این نیز یک مدخل دارد.

چهارم؛ باب زیاده دارالندوه است و امام ازرقی در تاریخ مکه، باب دار شیبه بن عثمان گفته، اما در این زمان مشهور به «باب زیاده» است و بعضی از عوام، باب زیاده و علی نیز می گویند، و این باب نزدیک به سویقه [است]، و سویقه محله‌ای است که اکبر و اعظم محله‌های شهر مکه است. اکثر اکابر از فقها و اغنیا آنجا ساکن‌اند و عمارت عالی به تکلف دارند و حد آن محله تا زیر کوه قعیقان است که محاذی کوه ابی قیس واقع شده و این باب زیاده، دو مدخل دارد. پنجم؛ باب وریه است و این باب یک مدخل دارد که خردترین همه درهاست، و الله الهادی.

[عدد ستون های مسجد]

اما عدد ستون‌هایی که در باب ابراهیم زیاده است، جمله چهارصد و شصت و نه ستون است و در چهار دور حرم و هر طرفی سه قطار است؛ اما ستون‌های زیادتی باب ابراهیم بیست و هفت عدد است؛ و اما ستون‌های زیادتی باب زیاده، شصت و شش عدد است.

اما ستون‌هایی که بر دور مطاف است که از جهت آویختن قنديل‌ها راست کرده‌اند، سی و سه عدد است و گویند در زمان سابق جمله از سنگ بوده، اما در عهد دولت سلطان سلیمان - خلد الله ملکه - از هفت جوش ستون‌ها ریخته‌اند و به جای ستون‌های سنگین نصب کرده‌اند. و چهار مدرسه و یک منار نیز به امر سلطان مرحوم ما بین باب السلام و باب زیاده و دارالندوه راست کردند، اما چون سلطنت به

سلطان سلیم بن سلیمان رسید، امر فرمود به تجدید عمارت مسجد الحرام، و بنای قدیم را به امر ایشان انداخته‌اند و مسجد الحرام را گنبدی پوشیدند، و جمیع ستون‌هایی که در جانب دیوار غربی بود، همه در دیوار مسجد نهادند و به جای آن ستون‌ها از سه جانب مسجد، ستون‌های مرمر کم کردند به جای آنچه از آن سه طرف کم کرده بودند، از سنگ سرخ و زرد و ابلق ستون‌ها تراشیده، به طریق مناره بر بستند که غلط آن ستون‌ها به نوعی است که دو کس می‌باید تا دست به دست گرفته در کنار گیرند. اکنون در چهار جانب

[۱۱] مسجد، ستون‌ها بر این نوع قرار گرفته که در میان هر سه ستون مرمر، یکی از آن ستون‌های مذکور نصب کرده‌اند؛ اما این عمارت در تاریخ نه صد و هشتاد بود که به اتمام رسید، در زمان سلطنت سلطان مراد بن سلطان سلیم خلد الله ملکه و سلطانه.

[عدد مناره‌های مسجد]

بدان که مناره‌هایی که در مسجد حرام است شش است: چهار مناره در چهار کنج حرم است و یکی در پهلوی باب زیاده و یکی در طاق مدرسه سلطان قایتبای که یکی از سلاطین بوده است؛ و این مدرسه متصل به دیوار شرقی مسجد است، میان باب السلام و باب الجنایز، و بالله التوفیق.